


مطبوعات و ملی

دکتر حسین فاطمی

در گفت‌وگو با محمدعلی سفری

سیدحسین مجتهدی 

یادداشت سردبیر

در شماره‌ی بهمن ۱۳۸۳ به مناسبت پنجمین سالگرد علی اردلان و سومین سالگرد محمدعلی سفری، وعده‌ی چاپ مصاحبه‌ی را که در آبان ۱۳۸۰ با محمدعلی سفری انجام شده بود، دادیم. اینک این شما و این هم آخرین مصاحبه‌ی او. پرسشی که در پایان ده مقاله در این ویژه‌نامه‌ی مصدق باید از خود پرسیم، این است که میراث سیاسی و فرهنگی ما ایرانیان از نهضت ملی ایران به رهبری مصدق چیست و چه می‌تواند بود؟ به باور من، نکته‌ی که روشنفکران و ایران‌دوستان از همه‌ی این تجربه‌ها و شکست نهضت ملی باید بیاموزند، آن است که اولاً، از بیگانگان انتظار دلسوزی و حمایت نباید داشت، ثانیاً آن که نیروهای ملی باید اختلاف درونی خود را کنار بگذارند و منافع ملی و همگانی را بر منفعت حزبی و جناحی و جاه‌طلبی‌های شخصی و گروهی مقدم بدانند و گرنه تجربه‌های تلخ سیاسی ملت ایران در نهضت ملی کردن صنعت نفت، دوباره تکرار خواهد شد.

□ درآمد

مرحوم دکتر نصرالله سیف‌پور فاطمی بود که در دوره‌ی چهاردهم مجلس شورای ملی به وکالت رسید و مدیر روزنامه زنده‌یاد دکتر حسین فاطمی بود. اینجانب از سال ۱۳۲۳ با روزنامه‌ی «باختر» همکاری را آغاز کردم و ابتدا خبرنگار قضایی و شهری بودم و بعد خبرنگاری پارلمانی را به عهده گرفتم که با رفتن دکتر فاطمی به اروپا در تابستان سال ۱۳۲۴ برای ادامه‌ی تحصیل و هم‌زمان با پایان یافتن دوره‌ی چهاردهم مجلس روزنامه‌ی «باختر» هم تعطیل شد.

وقتی در آبان‌ماه سال ۱۳۸۰ بر آن شدم تا یاد شهید همیشه زنده‌ی نهضت ملی ایران - که خون سیاوش‌گون او در شریان‌های تاریخ ایران همواره خواهد جوشید - دکتر حسین فاطمی را در آستانه‌ی سالروز شهادتش با مصاحبه‌ی زنده دارم، با اندکی تأمل به خود نهیب زدم چه کسی بهتر از محمد علی سفری؟

روان‌شاد محمدعلی سفری، که کار مطبوعاتی‌اش را با روزنامه‌های باختر و باختر امروز با دکتر فاطمی آغاز کرده بود، در ۱۳۸۰ پی‌درپی به دادگاه ویژه‌ی روحانیت، شعبه‌ی ۱۴۰۲ دادگاه کارکنان دولت و رسانه‌ها و در نهایت اداره‌ی نظارت بر اماکن احضار شد و در پی برخورد‌های ناروا و ناشایست و آلوده به وهن و طعن، هتک و دشنام، کالبد رنجورش تاب نیاورد و در بهمن‌ماه سال ۱۳۸۰ جان‌به‌جان آفرین تسلیم کرد.

هنگامی که محمدعلی سفری را یافتیم و گفتم می‌خواهم مصاحبه‌ی به مناسبت روزگار همکاری او با زنده‌یاد شهید دکتر حسین فاطمی با او داشته باشم و فرصتی برای تعویض نیست، با وجود برنامه‌ی بسیار فشرده پذیرفت و در بین کارهای خود به پرسش‌هایم، پاسخ گفت و تا غروب همان روز، به صورت نگاشته‌ی منظم، پاسخ‌ها را در اختیارم نهاد. و اکنون این پرسش و پاسخ نوشتاری که از واپسین نگاشته‌های اوست و تاکنون در جایی چاپ نشده است، ارمان محضر شمامست.

● لطفاً پیرامون سرآغاز آشنایی و سپس همکاری‌تان با زنده‌یاد شهید دکتر حسین فاطمی توضیح دهید.

● شما چه زمانی به هیأت تحریریه‌ی «باختر امروز» پیوستید؟

○ از بنیان‌گذاران روزنامه‌ی «باختر امروز» بودم. زنده‌یاد دکتر حسین فاطمی پس از پایان تحصیلات خود در فرانسه در سال ۱۳۲۷ به تهران بازگشت و نخستین اقدام ایشان انتشار روزنامه بود. مدتی برای گرفتن امتیاز روزنامه‌ی «باختر امروز» که در حقیقت جانشین روزنامه «باختر» بود صرف وقت شد که به دلیل حادثه‌ی سوءقصد به جان محمدرضا شاه در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ و توقیف مطبوعات، از انتشار روزنامه «باختر امروز» هم جلوگیری شد؛ تا اینکه در بهار سال ۱۳۲۸ زنده‌یاد دکتر فاطمی همکاران قدیمی در روزنامه «باختر» را به همکاری فراخواند و از تیرماه سال ۱۳۲۸، ده شماره‌ی «باختر امروز» به صورت نیمه رسمی (شماره‌های صفر) منتشر شد و اولین شماره‌ی رسمی آن روز هشتم مرداد سال ۱۳۲۸ انتشار یافت و در تمام این مدت و بعد از آن تا ظهر روز ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ که اداره‌ی روزنامه به آتش کشیده شد، این‌جانب در «باختر امروز» بودم.

● چه کسانی در آن روزنامه نقش آفرین بودند؟

○ دکتر فاطمی خود از بزرگ‌ترین و درخشان‌ترین و در عین حال استوارترین پایه‌های «باختر امروز» بود. و چون انتشار «باختر

○ سرآغاز همکاری اینجانب با زنده‌یاد دکتر حسین فاطمی از سال ۱۳۲۳ شمسی و در روزنامه‌ی «باختر» بود. روزنامه‌ی «باختر» از سال ۱۳۲۱ در تهران شروع به انتشار کرد. صاحب امتیاز آن

سی‌ام تیر سال ۱۳۳۱ در برابر هم قرار گرفتند و نقش مخرب این گروه در سرنگونی دولت ملی دکتر مصدق همان‌طور که در تاریخ ثبت است، فوق‌العاده بود.

● **موضوع‌گیری نیروهای مخالف مصدق نسبت به «باختر امروز» چه سمت و سویی داشت؟**

○ نیروهای مخالف مصدق - به خصوص درباریان و حزب توده و احزاب ریز و درشت وابسته به دربار و هواداران انگلیس - همواره از مخالفین سوگند خورده‌ی روزنامه‌ی «باختر امروز» و شخص دکتر حسین فاطمی بودند. مندرجات این روزنامه‌ها و تهمت‌های ناروایی که به دکتر فاطمی زدند، دلیل بارز این دشمنی بود.

امروز» با اوج‌گیری نهضت ملی ایران و سپس جبهه ملی ایران به زعامت زنده‌یاد دکتر مصدق به صورت ارگان جبهه‌ی ملی درآمد، در واقع نقش‌آفرین این روزنامه بود.

● **رابطه‌ی سایر مطبوعات و نشریات با «باختر امروز» چه گونه بود؟**

○ در آن زمان، سه گروه متمایز در کار مطبوعات فعال بودند. [اول] گروه ملیون که روزنامه‌ی «باختر امروز» و «شاهد» در رأس آن قرار داشتند. [دوم] گروه چپ و حزب توده با نشریات مختلفی که داشتند. [سوم] گروه راست‌گرایان و درباریان که صاحب نشریات گوناگون بودند. ارتباط هر دو گروه با گروه ملیون خصمانه بود.



● **انعکاس نظرات مخالفان نهضت ملی به ویژه «فدائیان اسلام» در «باختر امروز» چه بود؟**

○ ما سعی داشتیم قسمت خبری روزنامه‌ی «باختر امروز» را از یک‌جانبه بودن بر کنار نگهداریم و شخص دکتر فاطمی همواره به ما تأکید داشت که چون روزنامه متعلق به مردم است باید منعکس‌کننده نظرات عموم باشد ولی البته در مقالات آن، نسبت به مخالفان و مندرجات مطبوعات‌شان پاسخ‌گویی لازم می‌شد. در مورد «فدائیان اسلام» با توجه به شیوه مبارزه آنان، ابتدا مشکلی وجود نداشت ولی با شروع مخالفت از جانب آنان طبعاً موضع‌گیری از صورت دوستانه خارج شد و به همین دلیل نیز عضو نوجوان این جمعیت در روز ۲۵ بهمن سال ۱۳۳۰ هنگامی که دکتر فاطمی بر مزار دوست خود محمد مسعود مدیر روزنامه‌ی «مرد امروز» در حال سخنرانی بود، وی را مورد هدف قرار داد که آثار آن از نظر بیماری تا پایان زندگی و شهادت دکتر فاطمی باقی ماند.

● **اگر بخواهید مقایسه‌ی بین نشریه «فدائیان اسلام» و «باختر امروز» داشته باشید، چه مواردی را برمی‌شمرد؟**

مندرجات مطبوعات وابسته به حزب توده و گروه دربار به خصوص پس از آغاز زمام‌داری دکتر مصدق فوق‌العاده خشن و در نهایت دشمنی بود. اما در گروه ملیون که تعدادشان هم زیاد بود تا اواسط دولت دکتر مصدق هم‌آهنگی کامل وجود داشت ولی از سی‌ام تیر سال ۱۳۳۱ به بعد با پیدا شدن اختلاف نظر بین دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی و جمعی از وکلای مجلس دوره‌ی هفدهم - از جمله حائری‌زاده، دکتر بقایی، شمس‌قنات‌آبادی و دیگران - آن همبستگی از میان رفت و سرانجام آن به کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ و سقوط دکتر مصدق منجر شد.

● **موضوع‌گیری نیروهای طرفدار مصدق نسبت به «باختر امروز» چه سمت و سویی داشت؟**

○ همان‌طور که در سؤال چهارم اشاره شد موضع‌گیری نیروهای طرفدار دکتر مصدق با روزنامه‌ی «باختر امروز» از ابتدا تا انتها صمیمانه بود، منتها با شکافی که بین ملیون بروز کرد، طبعاً این صمیمیت از میان رفت. به طوری که من‌باب مثال، روزنامه‌ی «شاهد» که یک هفته پس از انتشار روزنامه‌ی «باختر امروز» منتشر شد و این دو از ارکان فوق‌العاده قدرتمند جبهه‌ی ملی بودند، پس از

○ نشریات وابسته به «فداییان اسلام» و روزنامه‌ی «باختر امروز» قابل مقایسه نبودند، چون اولاً نشریات این گروه به صورت‌های مختلف و اغلب موسمی با مقالات و بیانیه‌های فوق‌العاده تند و گاهی همراه با دشنام و تهمت بود، در حالی که «باختر امروز» در خدمت نهضت ملی ایران روزنامه‌یی متین و صاحب مسلک و مکتب بود.

● «باختر امروز» در پیشرفت نهضت ملی چه نقشی داشت؟

○ نقش «باختر امروز» در پیشرفت نهضت ملی ایران، به دلیل اهمیت آن جنبه‌ی «ارگان» نهضت را پیدا کرد. بنابراین، آن چه در این زمینه طی سال‌های پر از تش و تشنج بین ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۲ دیده می‌شود، نقش «باختر امروز» به اصطلاح حرف اول را می‌زند به خصوص سرمقالات آتشین و تاریخ‌سازی که دکتر فاطمی حتا پس از قبول سمت معاونت نخست‌وزیر و سپس وزارت خارجه در کابینه دکتر مصدق می‌نوشت و به قول خودش، روزنامه‌نگاری شغل پرافتخار و اول او بود.

● روز ۲۸ مرداد ماه شما کجا و شاهد چه اتفاقاتی بودید؟

○ روز ۲۸ مرداد از حدود ساعت ۸ صبح ابتدا به مجلس شورای ملی رفتم، گو این‌که این مجلس تعطیل بود، ولی بازماندگان متخصصان در این مجلس از جمله سپهبد فضل‌الله زاهدی، دکتر بقایی و علی زهری همه خبرساز بودند چون تا این زمان مجلس پایگاه این گروه بود از آن‌جا به منزل زنده یاد دکتر مصدق رفتم. اوضاع به ظاهر آرام ولی در باطن آشفتگی بود. حدود ساعت ۱۱/۵ به دفتر روزنامه واقع در میدان بهارستان، کوچه نظامیه آمدیم. چند تن از همکاران در دفتر روزنامه بودند و این‌جانب مشغول تهیه گزارش روز بودم که ناگهان شعله‌های آتش ساختمان دفتر روزنامه را در کام خود کشید و چون روزنامه در طبقه‌ی سوم بود، خواستم از پله‌ها به طرف خیابان بیایم ولی از یک سو مواجه با شعله‌های آتش شدم و از سوی دیگر دار و دسته‌ی درباریان و گروه حزب دکتر بقایی در انتظار به قول خودشان قلع و قمع باختر امروزی‌ها بودند، بدین جهت از طرف غرب ساختمان که امکان فرار از بالکن به طبقات پایین و پاساژ وجود داشت در معیت آقای سیدمحمدرضا جلالی نائینی - مدیر روزنامه‌ی «کشور» و پسرخاله دکتر فاطمی و عضو ارشد هیأت تحریریه‌ی روزنامه‌ی «باختر امروز» - از راه پاساژ فرار کردیم و پس از آن حوادثی روی داد که مشروح آن در جلد اول کتاب «قلم و سیاست» آمده است.

● بیست و پنجم الی بیست و هشتم مرداد ماه ۱۳۳۲، «باختر امروز» چه مسائلی را دنبال کرد و چه کسانی نظریه‌پرداز آن بودند؟

○ بی‌گمان مندرجات سه شماره‌ی «باختر امروز» از (یکشنبه ۲۵ مرداد تا سه‌شنبه ۲۷ مرداد ۱۳۳۲) گویاترین و در عین [حال] سندی است پرافتخار از مبارزه سهمگین شخص دکتر فاطمی با محمدرضا شاه و درباریان و سیاست استعماری انگلیس. سرمقاله‌ی

شماره ۲۵ مرداد به قلم دکتر فاطمی که در عین حال سمت وزیر خارجه را هم داشت این بود: «این دربار شاهنشاهی روی دربار سیاه فاروق را سفید کرد» و سرمقاله‌ی شماره‌ی ۲۷ مرداد نیز به قلم ایشان با این عنوان بود: «شرکت سابق و روزنامه‌های محافظه‌کار لندن، دیروز عزادار بودند» ولی سنگین‌ترین حملات در شماره‌ی روز ۲۶ مرداد بود که زنده‌یاد دکتر فاطمی تحت عنوان «خائنی که می‌خواست وطن را به خاک و خون بکشد، فرار کرد». در این سرمقاله که یکی از مستندات آزموده دادستان محاکمات نظامی علیه دکتر فاطمی بود، شاه مورد سخت‌ترین حملات و انتقاد قرار گرفت.

هم‌چنین دیگر مطالب روزنامه در این سه روز گویای خط مشی گروه نویسندگان این روزنامه نسبت به حوادث کودتا بود. از نظر نظریه‌پردازی باید گفت که در درجه‌ی نخست، دولت دکتر مصدق



محمدعلی سفری، همکار مطبوعاتی دکتر فاطمی

با مواضع خود علیه توطئه‌گران و سیاست استعماری انگلیس و آمریکا و در مرحله‌ی دوم به خصوص فعالیت شدید دکتر فاطمی در جهت براندازی رژیم سلطنتی، نظریه‌پردازان واقعی بودند که مشروح این جریانات و مصاحبه‌های ایشان به عنوان سخن‌گوی دولت در روزنامه منعکس است.

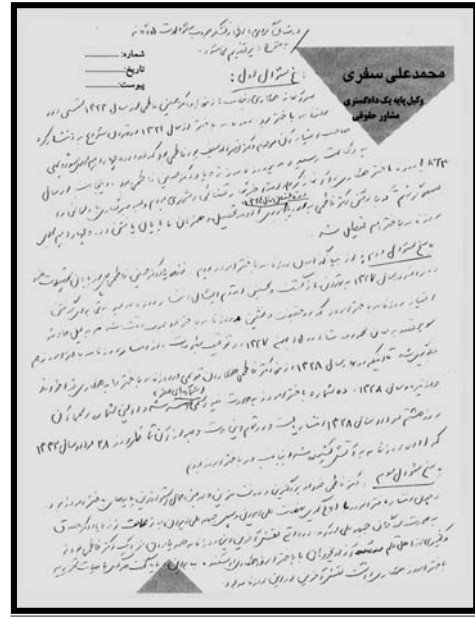
● برخی تحلیل‌گران معتقدند تندروی «باختر امروز» در سقوط دکتر مصدق مؤثر بود، [مثلاً کسانی مانند آقای رحیم زهتاب‌فرد می‌گویند که پرخاش‌های دکتر فاطمی علیه شاه - درست مثل نامه‌ی مجعول احمد رشیدی مطلق علیه آیت‌الله خمینی در دی ۱۳۵۶ - موجب تحریک احساسات مردم در مرداد ۱۳۳۲ شد]، عقیده‌ی شما چیست؟

روزنامه‌نگار حرفه‌یی قلم می‌زد - خطامشی دیگری جز اعتلای وطن و دفاع از حقوق مردم را دنبال نکرد. نوشته‌های او مؤید این نظر است؛ حتی در روزنامه‌ی «باختر» و در نخستین شماره‌ی آن در ۱۴ تیر سال ۱۳۲۱ چنین نوشت:

«به امید خدای بزرگ برای خدمت به ایران و فداکاری در راه آزادی قلم به دست گرفته، قدم به میدان گذاشته‌ایم، از مشکلات و موانعی که در این راه داریم، آگاه و خود را برای مقابله با آن حاضر ساخته‌ایم... اولین وسیله‌ی ما و بهترین اسلحه‌ی ما برای حفظ ایران داشتن آزادی است... پس می‌گوییم هر کس آزادی مشروع ملت ایران را محدود کند، به استقلال ایران لطمه زده و هر کس به استقلال ایران لطمه بزند خائن و پلید است...»

● **در دوره‌ی اخیر آزادی نسبی مطبوعات (بعد از دوم خرداد ۱۳۷۶) به نظر شما کدام یک از روزنامه‌نگاران بیش تر به مشی دکتر فاطمی نزدیک‌اند؟**

○ بهتر است یاران مطبوعاتی، مرا درگیر این اوضاع نابه‌سامان نفرمایند. به نظر من آن چه اکنون وجود دارد و آن چه در آن زمان وجود داشت، گو این که هر دو دور از کسوت روزنامه‌نگاری نیست ولی به هر حال، آن زمان را حال و هوای دیگری بود و این زمان را قال و مقالی دیگر. آرزو دارم در کارهایتان موفق باشید. ■



صفحه‌ی اول پاسخ محمدعلی سفری به پرسش‌های ما

○ این تحلیل با واقعیت انطباق ندارد، کسانی که وقایع آن زمان را از نظر یک پژوهشگر دنبال کرده‌اند و می‌کنند، به خوبی واقف هستند که توطئه‌ی شوم استعمار و در رأس آن انگلستان که آمریکا را برای اجرای مقاصد خود همراه کرده بود، از ماه‌ها قبل در صدد اجرای برنامه‌ی کودتا بود. بنابراین اگر به آن همه شجاعت و شهامت و فداکاری و میهن‌پرستی زنده‌یاد دکتر فاطمی بخواهند عنوان تندروی هم بدهند، آن تند‌ها نمی‌تواند عاملی در اجرای سیاست استعماری در براندازی دولت ملی دکتر مصدق باشد و نظر دکتر مصدق در مورد ایشان که «یک ترک اولی هم نکرد» مؤید این نظر است.

● **ویژگی‌های دکتر فاطمی به عنوان روزنامه‌نگار چه بود و چه جایگاهی در تاریخ مطبوعات ما دارد؟**

○ شاید برای این‌جانب که بارها طی نیم قرن اخیر همواره گفته و نوشته‌ام که دکتر فاطمی از نظر یک روزنامه‌نگار فرهیخته، از افراد برجسته در این کسوت بوده [است]، اظهار عقیده آمیخته با تعصب باشد. اما در طول زندگی کوتاه آن زنده‌یاد در عالم مطبوعات و آثاری که از خود به جای گذاشته و اظهار نظر افراد منصف و فاقد اغراض شخصی دکتر فاطمی مقام والا و برجسته‌یی را در تاریخ مطبوعات ایران دارد، به‌خصوص که در نهایت شهامت و قدرت جان خود را در این راه از دست داد و به حال بیماری و تن‌تبدار و روی برانکار به جوخه‌ی آتش سپرده شد و شاه تا زمانی که حتی بدن نیمه‌جان وی در سلول‌های زندان بود، آرامش نداشت. تاریخ قضاوت خواهد کرد که دکتر فاطمی در کسوت اهل قلم صاحب چه مقام و افتخاری است.

● **دکتر فاطمی به عنوان یک روزنامه‌نگار اصلاح‌طلب، در عرصه‌ی سیاست چه‌گونه خطامشی داشت؟**

○ دکتر فاطمی در عرصه‌ی سیاست - چه در کوتاه مدتی که عضو دولت دکتر مصدق بود و چه در روزگاری که به عنوان یک

استاد دانشمند حضرت آقای دکتر علی اکبر صادقی

با نهایت تأسف، درگذشت همشیره‌ی ارجمندتان را تسلیت عرض می‌کنیم و برای آن بزرگوار غفران الهی و برای حضرت عالی سلامت و دوام توفیق از خداوند بزرگ مسألت داریم.

هیأت مشاوران علمی و کارکنان ماهنامه‌ی حافظ

□ □ □

استاد دانشمند حضرت آقای دکتر نورعلی تابنده

با نهایت تأثر، درگذشت عموزاده‌ی مکرم آن جناب، مرحوم دکتر سلطانی را تسلیت عرض می‌کنیم و برای آن روان‌شاد علو درجات و برای حضرت عالی سلامت و طول عمر مسألت داریم

هیأت مشاوران علمی و کارکنان ماهنامه‌ی حافظ

□ □ □

کفی بالموت واعظا

با اندوه فراوان، درگذشت نابهنگام دوست دیرین دانشمند، **استاد دکتر مهدی شهیدی** را به خاندان جلیل شهیدی و بازماندگان مکرم او و نیز جامعه‌ی حقوق‌دانان ایران (بالاخص فارغ‌التحصیلان حقوق قضایی دانشگاه تهران در دهه‌ی ۱۳۴۰) تسلیت عرض می‌کنم. روحش شاد و یادش گرامی باد.

پروفسور سیدحسن امین
مدیرمسئول و سردبیر ماهنامه‌ی حافظ
(روزنامه‌ی اطلاعات: ۲۶ بهمن ۸۳، ص ۱۵)